# افسون‌زداییِ جهان و افسون‌زدگیِ آدمی

## ازساخت فرمانی/مکینگی (Machenschaft) تا چارچوب (Gestell)

## در اندیشهٔ واپسینِ هایدگر


**یوسف بشارتی**[۱]

**زیباکنار، روستای امیرکنده**

**اردی بهشت ۱۴۰۵**

@BESHARATIYOUSEF

iD
https://orcid.org/
0009-0005-0639-7373
Preview public record

@YPSILONBA



**چکیده**

این جستار در پی آن است تا نسبتِ میان افسون‌زداییِ جهان و افسون‌زدگیِ آدمی را در اندیشهٔ واپسینِ مارتین هایدگر بازاندیشد. هرچند دو واژهٔ *Entzauberung* و *Verzauberung* در *Beiträge zur Philosophie (Vom Ereignis)* از واژگانِ کانونیِ دستگاهِ اندیشهٔ هایدگر به‌شمار نمی‌روند، با این همه می‌توان آن‌ها را چونان دو کلیدِ هرمنوتیکیِ نیرومند برای دریافتِ جایگاهِ آدمی در روزگارِ چیرگیِ فن‌آوری به‌کار گرفت. مدعای این نوشتار آن است که افسون‌زداییِ جهان و افسون‌زدگیِ آدمی نه دو رویدادِ ناسازگار، بل دو رویهٔ یک سرنوشتِ یگانه‌اند؛ سرنوشتی که هایدگر آن را ذیلِ مفهومِ *Machenschaft* (= **ساخت فرمانی/مکینگی**) می‌اندیشد و سپس در نوشته‌های پسین با مفهومِ *Gestell* (= چارچوب) بسط می‌دهد. افسون‌زدایی به معنای تهی‌شدنِ جهان از راز و فروپاشیِ نسبتِ آدمی با ساحتِ ناپوشیدگیِ هستی است؛ حال آنکه افسون‌زدگی، نامِ فروبستگیِ آدمی در شیفتگیِ نسبت به توانش، فن‌آوری، و اندازه‌شماری است.



**واژگانِ کلیدی:** هایدگر، بایترگه، ساخت فرمانی/مکینگی، چارچوب، افسون‌زدایی، افسون‌زدگی، اِرآیگنیس


---

[۱]. پژوهش گر و برگرداننده ی کارهای هایدگر

## دیباچه

راهِ اندیشیدنِ هایدگر را نباید به دوپارهٔ «پیشین» و «پسین» بخش کرد. تفکرِ او از آغاز تا انجام در گردِ پرسشِ یگانهٔ بُوِش می‌گردد. آنچه در این راه روی می‌دهد، Kehre است: گشتی در خودِ پرسش.

در Sein und Zeit[۲] پرسشِ بُوِش از رهگذرِ دازاین گشوده می‌شود؛ در Beiträge zur Philosophie[۳] همان پرسش به آغازگاهِ خویش بازمی‌گردد و در افقِ تاریخِ راستیِ بُوِش و اِرآیگنیس اندیشیده می‌شود. این گشت، بریدگی نیست، آغازین‌تر شدنِ پرسش است. از این‌رو، بحرانِ روزگارِ نو(مدرنیته) را نزد هایدگر نمی‌توان به سیاست، فرهنگ، یا اخلاق فروکاست. بحران در ژرف‌ترین لایهٔ خویش، بحرانِ شیوهٔ پدیداریِ باشنده هاست: باشندگان چگونه آشکار می‌شوند؟ در کدام روشنگاه گشوده می‌شوند؟ و آدمی چگونه در این گشودگی جای می‌گیرد؟

پرسشِ بنیادینِ این نوشتار از همین‌جاست: آیا افسون‌زداییِ جهان و افسون‌زدگیِ آدمی دو فرآیندِ جداگانه‌اند، یا دو نام برای یک سرگذشت؟ مدعای این نوشتار آن است که این هر دو را باید ذیلِ مفهومی بنیادین در بایترگه فهمید: **ساخت فرمانی/مکینگی(Machenschaft)** .

### ۱. از افسون‌زداییِ وِبِر تا افسون‌زداییِ هایدگر

برای دریافتِ جایگاهِ افسون‌زدایی در اندیشهٔ هایدگر، نخست باید آن را از برداشتِ ماکس وبر جدا کرد. وبر، جهانِ نو را جهانی می‌بیند که در آن فرایندِ خردگراشدن[۴]، جهان را از جادو، اسطوره، و راز تهی ساخته است. در این افق، آدمی در جهانی می‌زید که هر امرِ ناشناخته‌ای، دست‌کم بالقوه، در دامنهٔ شرحِ دانشی، پیش‌بینی، و مهار قرار دارد. جهان دیگر جایگاهِ نیروهای رازآلود نیست؛ بلکه به میدانِ سامان‌پذیریِ خردمندانه بدل شده است.[۵]

اما نزد هایدگر، مسئله بسی ژرف‌تر است. برای او، افسون‌زدایی به معنای پس‌نشینیِ اسطوره نیست، بلکه به معنای دگرگونیِ بنیادین در شیوهٔ ناپوشیدگیِ باشندگان است. مسئله آن نیست که آدمی دیگر به جادو باور ندارد؛ مسئله آن است که باشندگان دیگر در هیئتِ راز و ناپوشیدگی پدیدار نمی‌شوند.[۶] آن‌ها تنها از آن‌رو پدیدار می‌شوند که دسترس‌پذیر، مهارپذیر، سنجش‌پذیر، و بهره‌بردارپذیر باشند.

---

[۲]. نک: Heidegger, Sein und Zeit, §§ 1–4 . برگردان شده به پارسی : ” بودن و زمان «، بشارتی ، یوسف

[۳]. نک: Heidegger, Beiträge zur Philosophie (Vom Ereignis), GA 65, §1–5. برگردان شده به پارسی : “انبازها به فیلوسوفی از اِرآیگنیس»، بشارتی، یوسف

[4]. Weber, Max. «Die protestantische Ethik und der Geist des Kapitalismus», 1920.

[5]. Weber, Max. «Wissenschaft als Beruf», in Gesammelte Aufsätze zur Wissenschaftslehre, 1917.

[6]. Heidegger, GA 65, S. 107–110.

از این دیدگاه، افسون‌زدایی نزد هایدگر را باید چنین فهمید: **فروپاشیِ نسبتِ آدمی با ساحتِ ناپوشیدگیِ هستی؛** جهان بی‌جادو نیست، بلکه بی‌راز است.

## ۲. ساخت فرمانی/مکینگی، چونان بنیادِ متافیزیکیِ مدرنیته (روزگارِ نو)

کلیدِ فهمِ روزگارِ نو در بایترگه، مفهومِ *Machenschaft* است. این واژه از دشوارترین واژگانِ اندیشهٔ هایدگر به‌شمار می‌رود.[۷] در این جستار، «**ساخت فرمانی/مکینگی**» را برای آن برگزیده‌ایم. هایدگر می‌نویسد:

> *Die Machenschaft ist die Ermächtigung des Machens zur unbedingten Auslegung des Seienden als des Machbaren.*

یعنی: «**ساخت فرمانی/مکینگی**، چیرگی‌یافتگیِ ساختن است در مقامِ تفسیرِ بی‌چون‌وچرای باشنده، چونان آنچه ساختنی است.» (*GA 65*، ص. ۱۲۶)[۸]

در افقِ **ساخت فرمانی/مکینگی**، باشنده دیگر از خویشتن ظهوری ندارد. باشنده تنها در آن اندازه هست که در شبکهٔ ساختن و مهارشدن درآید: هر چیز باید ساختنی، اندازه‌شمارپذیر، سامان‌پذیر، و مهارپذیر باشد. در اینجا، باشندگی هم‌ارزِ دردسترس‌بودن می‌شود. این همان بنیانِ متافیزیکیِ روزگارِ نو( مدرنیته ) است.[۹]

در این افق، جهان دیگر جایگاهِ گشوده‌شدنِ راز نیست. جهان به میدانِ فرافکن بدل می‌شود. طبیعت دیگر *physis* نیست؛ دیگر آن خود-شکوفاییِ برآمده از نهفتگی نیست.[۱۰] طبیعت اکنون منبع است، مادهٔ خام است، اندوخته است.

## ۳. افسون‌زداییِ جهان

افسون‌زداییِ جهان پیامدِ بی‌واسطهٔ چیرگیِ **ساخت فرمانی/مکینگی** است. در این افق، جهان دیگر روشنگاهِ ناپوشیدگی نیست، بلکه میدانِ سنجش، اندازه‌شماری، و مهار است. آنچه فرو می‌ریزد، خودِ نسبتِ بنیادینِ آدمی با راز است ، نه جادو و اسطوره.

در جهانِ یونانی، باشندگان در افقِ *physis* پدیدار می‌شدند؛ یعنی در مقامِ خود-برآمدن از نهفتگی به آشکارگی.[۱۱] اما در روزگارِ نو، این شیوهٔ پدیداری جای خود را به نحوی دیگر می‌دهد: باشنده آن است که باید در دسترس باشد.

---

[7]. von Herrmann, Friedrich-Wilhelm. Wege ins Ereignis. Frankfurt: Klostermann, 1994, S. 22–26.
[8]. Heidegger, GA 65, S. 126.
[9]. Heidegger, GA 65, S. 128–131.
[۱۰]. Heidegger, «Vom Wesen und Begriff der Physis», GA 9, S. 239–301 برگردان شده به پارسی : “ راه نشان ها «، بشارتی، یوسف
[11]. Heidegger, GA 9, S. 243.

هایدگر این گسست را

> *Die Verlassenheit des Seienden vom Seyn*. می‌نامد (*GA 65*، ص. ۱۰۷)؛
>
> یعنی: «وانهادگیِ باشنده از سوی بوش.»[۱۲]
>
> در این وانهادگی، باشندگان همچنان هستند، بلکه بیش از پیش حاضرند؛ اما این حضور، دیگر از روشنگاهِ راستی نمی‌تابد. آنچه گم شده، خودِ نسبت با گشودگی است.

جهان تهی از راز می‌شود: شگرفی فرو می‌نشیند، درنگ نابود می‌شود، حیرت خاموش می‌گردد. آدمی دیگر نمی‌پرسد، می‌سنجد؛ دیگر نمی‌ایستد، به‌کار می‌برد.

## ۴. افسون‌زدگیِ آدمی

در همین‌جا پارادوکسِ بنیادین آشکار می‌شود: هرچه جهان از راز تهی‌تر می‌گردد، آدمی در افسونِ تازه‌ای فروتر می‌رود. این افسونِ تازه نه افسونِ مینوی است، نه افسونِ اسطوره، نه افسونِ خدایان. این افسون، افسونِ توانش(قدرت) است: افسونِ فن‌آوری، چیرگی، شتاب، و اندازه‌شماری.[۱۳]

آدمی گمان می‌برد که از جادو رسته است، اما در افسونِ ژرف‌تری فرو رفته است؛ افسونِ خودِ توانستن. این همان است که می‌توان *Verzauberung* نامید: **فروبستگیِ آدمی در شیفتگی نسبت به توانشِ ساختن**. آدمی دیگر در برابر راز زانو نمی‌زند؛ بل در برابر کارایی و توانِ فن‌آورانه فرو می‌افتد.

این افسون، از آن‌رو خطرناک‌تر است که خود را در هیئتِ خردمندی می‌نمایاند.[۱۴] آدمِ نو با افزارهایی که ساخته، با نیرویی که در اختیار دارد، و با دسترسِ نامحدودی که پنداشته است، گمان می‌برد آزاد است؛ اما این آزادیِ پنداشته، خودْ نمودارِ فروبستگیِ عمیق‌تری است.

## ۵. از ساخت فرمانی/مکینگی (Machenschaft) تا چارچوب (گشتل)

آنچه در بایترگه **ساخت فرمانی/مکینگی** نام دارد، در اندیشهٔ واپسین با مفهومِ *Gestell* روشن‌تر می‌شود. هایدگر در پرسش از فن‌آوری (*Die Frage nach der Technik*) می‌نویسد:

---

[۱۲]. Heidegger, GA 65, S. 107.
[۱۳]. Heidegger, GA 65, S. 132–135.
[۱۴]. Young, Julian. Heidegger's Later Philosophy. Cambridge: CUP, 2002, S. 41–44.

*Das Ge-stell ist die Weise des Entbergens.*

یعنی: «چارچوب، شیوه‌ای از ناپوشیدگی است.» (*GA 7*، ص. ۲۴)[۱۵] اما این ناپوشیدگی، ناپوشیدگیِ اصیل نیست؛ بلکه نحوی از گشودگی است که باشنده را تنها در مقامِ اندوخته پایندگی/ایستاد (*Bestand*) آشکار می‌کند.

اندوخته پایندگی (*Bestand*) یعنی آنچه هست، تنها از حیثِ مصرف‌پذیری، اندازه‌گیری‌پذیری، و به‌کارگیری‌پذیری معنا دارد.[۱۶] در این افق:

> رودخانه، نیروگاه می‌شود؛ بیشه، انبارِ چوب می‌شود؛ زمین، منبعِ برداشت می‌شود؛ و آدمی، نیروی کار.

در اینجا دیگر سوژه و ابژه در تقابل نیستند؛ هر دو درونِ دستگاهِ چارچوب فرو می‌روند. اینجاست که افسون‌زداییِ جهان و افسون‌زدگیِ آدمی به اوجِ هم‌زمانِ خویش می‌رسند: جهان بی‌راز می‌شود، آدمی بی‌گسست مسحور می‌گردد.[۱۷]

## ۶. خوانشِ مفسران

اوتو پوگلر[۱۸] نشان می‌دهد که بایترگه را باید متنِ گذار از متافیزیک به اندیشیدنِ سرگذشتیک دانست؛ گذاری که در آن بحرانِ فن‌آوری، نشانهٔ بحرانِ ژرف‌ترِ نسبتِ آدمی با بوش است. از نگاهِ پوگلر، بایترگه، متنِ کوشش است نه منظومه‌ای دستوری : هایدگر در آن می‌کوشد تا راهی برای اندیشیدن که هنوز نیامده بگشاید.[۱۹]

فریدریش-ویلهلم فون هرمان[۲۰] بر این نکته پای می‌فشارد که **ساخت فرمانی/مکینگی** واپسین چهرهٔ فراموشیِ بوش است؛ جایی که باشندگان از روشنگاهِ راستی جدا می‌شوند. از دیدِ او، **ساخت فرمانی/مکینگی** پدیده‌ای صرفاً فن‌آورانه نیست، بلکه ساختارِ هستی‌شناختیِ چیرگیِ آدمِ نو بر جهان است.[۲۱]

جولیان یانگ[۲۲] نیز فن‌آوری را نه افزار، بلکه سرنوشتِ درونیِ متافیزیک غربی می‌داند. این خوانش‌ها بر یک نکته هم‌داستان‌اند: بحرانِ فن‌آوری، بحرانِ بیرونی نیست؛ بحرانِ سرگذشتِ راستی است.[۲۳]

---

۱۵. Heidegger, «Die Frage nach der Technik», GA 7, S. 24 برگردان شده به پارسی: "گفتارها و نوشتارها»، بشارتی ، یوسف

16. Heidegger, GA 7, S. 17–20.

17. Pöggeler, Otto. Der Denkweg Martin Heideggers. Pfullingen: Neske, 1983, S. 214.

18. Pöggeler, Otto. Der Denkweg Martin Heideggers. Pfullingen: Neske, 1963/1983.

19. Pöggeler, S. 220–225.

20. von Herrmann, Friedrich-Wilhelm. Wege ins Ereignis. Frankfurt: Klostermann, 1994.

21. von Herrmann, S. 31–38.

22. Young, Julian. Heidegger's Later Philosophy. Cambridge: CUP, 2002.

23. Young, S. 53–56.

### ۷. اِرآیگنیس

پرسشِ بنیادین این است: آیا گسست ممکن است؟ پاسخِ هایدگر نه بازگشت است و نه نفیِ فن‌آوری؛ بلکه گشودگی است به **اِرآیگنیس** (*Ereignis*).

هایدگر می‌نویسد:

> *Ereignis ist die Er-eignung des Da-seins.*

یعنی: «اِرآیگنیس، اِرآیگن گزاری دا-زاین است» (*GA 65*، ص. ۳۲۰)[۲۴] در این اِرآیگن گزاری ، آدمی نه فرمانرواست و نه فرمان‌بر؛ گوش‌سپار است.

این نسبت نیازمند خاموشی گزیدن(*Schweigen*)، خویش نگه داری (*Verhaltenheit*)، و گوش‌سپردگی است.[۲۵] تنها آن‌که خاموشی گزیدن می‌تواند، می‌تواند بشنود؛ و تنها آن‌که خویش نگه داری، دارد، می‌تواند بگشاید.

### فرجامِ سخن

افسون‌زداییِ جهان و افسون‌زدگیِ آدمی دو پدیدهٔ جدا نیستند، دو رویِ یک سرگذشت اند. این سرگذشت در **ساخت فرمانی/مکینگی** پدیدار می‌شود و در چارچوب، به کمالِ خویش می‌رسد. صورت‌بندیِ نهاییِ چنین است:

> هرچه جهان بی‌رازتر می‌شود، آدمی مسحورتر می‌گردد.

این همان چهرهٔ نیهیلیسمِ نو است: هم‌زمان تهی‌شدنِ جهان از راز و فروبستگیِ آدمی در افسونِ توانش. و تنها در افقِ اِرآیگنیس است که امکانِ گسستی دیگرگون از این سرگذشت پدیدار می‌شود.

---

[24]. Heidegger, GA 65, S. 320.
[25]. Heidegger, GA 65, §§ 35–38.

## کتابنامه


Heidegger, Martin. Beiträge zur Philosophie (Vom Ereignis). Gesamtausgabe Bd. 65. Frankfurt am Main: Vittorio Klostermann, 1989.

Heidegger, Martin. Die Frage nach der Technik. Gesamtausgabe Bd. 7. Frankfurt am Main: Klostermann, 2000, S. 5–36.

Heidegger, Martin. Vom Wesen und Begriff der Physis. Gesamtausgabe Bd. 9. Frankfurt am Main: Klostermann, 1976, S. 239–301.

Heidegger, Martin. Sein und Zeit. Tübingen: Max Niemeyer Verlag, 1927 [چاپ هجدهم: ۲۰۰۱].

Pöggeler, Otto. Der Denkweg Martin Heideggers. Pfullingen: Günther Neske, 1963 [ویراست دوم: ۱۹۸۳].

von Herrmann, Friedrich-Wilhelm. Wege ins Ereignis: Zu Heideggers «Beiträgen zur Philosophie». Frankfurt am Main: Klostermann, 1994.

Young, Julian. Heidegger's Later Philosophy. Cambridge: Cambridge University Press, 2002.

Weber, Max. Gesammelte Aufsätze zur Wissenschaftslehre. Tübingen: Mohr Siebeck, 1917/1988.